رابطه انقلاب ما
با نهضت
امام حسین علیه السلام

محمدجواد با هنر



بسم الله الرحمن الرحیم

رابطه انقلاب ما با نهضت امام حسین علیه السلام

نویسنده:

محمد جواد باهنر

ناشر چاپی:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رابطه انقلاب ما با نهضت امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۷۹۷۲۵

سرشناسه : باهنر، محمدجواد، ۱۳۱۲-۱۳۶۰.

عنوان و نام پدیدآور : رابطه انقلاب ما با نهضت امام حسین (ع)[نوار بدون موسیقی]/باهنر

وضعیت نشر : [تهران]: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، [۱۳۶×]

مشخصات ظاهری : ۱نوارکاست (ح.۴۰'):مونو

یادداشت : انتهای روی ب نوار خالی است.

توصیفگر : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق.

توصیفگر : انقلاب اسلامی ایران

قیام عاشورا

مقدمه

اسلام جلوه ها و ابعاد گوناگونی دارد و در مجموع نظامی به هم پیوسته برای تجلی دادن همه شئون یک انسان راستین است. اما به طور خاص، هر یک از امامان و رهبران و پیشوایان ما، اسوه یکی از ابعاد برجسته اسلام هستند: مقتدا و شهید و گواه برای ما و برای مسلمانانی که می خواهند راه و رسم اسلام را در عمل و در شیوه و در اقدام امامانشان بیابند و لمس کنند و پیروی نمایند.واژگونه جلوه دادن حقیقت قیام امام حسین (ع) حسین بن علی (ع) را با خون، با مبارزه، با انقلاب و با شهادت عجین می یابیم. یعنی باید گفت مظهر جهاد، مظهر شهادت، مظهر حرکت و نهضت و پرخاش و خشم انقلابی و الهی السلام، حسین بن علی (ع) است. طاغوت و طاغوتیان و همه عمال بیگانه می خواستند عنصر اسلام را در درون امت ما به صورتی پوسیده، رخت آور و مسخ شده درآورند. بسیاری از سرمایه های عظیم معنوی، اجتماعی و اسلامی ما را در بین جامعه ما آنچنان کوچک و محدود و واژگونه جلوه دادند که روح و حقیقتش تهی شد و تنها قالبی بسیار مسخ شده از آن بر جای ماند. امام حسین (ع) که درس عدالت، مبارزه،

ایستادگی و مقاومت می داد، در جامعه و در امت ما، او و یاران و خاندانش به تدریج به صورت مظهری از ضعف در آمده بودند، بطوریکه به تدریج عاشوراها و مجالس عزاداری در بین ما شیعیان نه تنها شورانگیز بیدارکننده و تحرک آفرین نبود بلکه متاسفانه به صورتی سرد کننده و رخوت انگیز و ضعف آور و زبون پرور منعکس شده بود. دشمن می خواست همه سرمایه های ارزشمند را از ما بگیرد و آنها را مسخ کند تا ما محروم شویم و نتوانیم با تکیه به آنها راهمان و راه حق اسلام را ادامه دهیم.

امام حسین علیه السلام مظهر خشم خدا در برابر مفسدان

امام حسین (ع) در زندگی اش، حتی قبل از آنکه ماجرای کربلا را آغاز کند، مظهر خشم خدا در برابر ظالمان بود.معاویه در یک نامه، به خیال خود، امام حسین (ع) را نصیحت کرد که: گویا شنیده ام با این و آن رابطه برقرار کرده ای، کسانی با تو آمد و شد دارند و گویا خیال فتنه انگیزی و ایجاد تفرقه در بین امت اسلام داری.من تو را بیم می دهم از آنکه مبادا خود را در فتنه گرفتار سازی و دست به تفرقه افکنی در بین امت اسلامی بزنی! در این نامه به چهره نصیحت گر اندرز گوی با حسین بن علی (ع) وارد صحنه شده بود؛ با عوامفریبی و با ظاهری آراسته حضرت را دعوت به آرامش و حفظ امنیت و جلوگیری از اخلال و تفرقه اندازی می کند و درخواست ایجاد یک محیط امن و از این قبیل توصیه ها را در نامه اش دارد. اما آن حضرت در پاسخ نامه فرازهایی تند و روشنگر

در پاسخ معاویه فرمود. از جمله این بود که فرمود تو به من گفته بودی که من خود را در فتنه نیفکنم و گرفتار فتنه نکنم.در حالی که ریشه فتنه تو هستی و اصلا مظهر فتنه و سرچشمه فساد تو هستی. تو گفته ای که من به فکر در افتادن با تو نباشم، من می ترسم اگر چنانچه به این فکر نباشم مسئول باشم.اگر من در فکر مبارزه با تو نباشم در پیشگاه خدا احساس نافرمانی و عصیان می کنم. مگر تو نبودی که حجربن عدی و یاران دلاور و مبارزش را که جز حق نمی گفتند شهید کردی؟ مگر تو نبودی که فرمان دادی هر کس بر دین علی (ع) است او را از حکومت عزل و برکنار کنند و حقش را بگیرند و حقوقش را قطع کنند؟ مگر دین علی (ع) جز دین خداست؟ مگر دین علی (ع) جز دین محمد (ص) و جز دین قرآن است؟ تو با حق درافتادی.آنچنان تند در این نامه معاویه را مورد پرخاش و هجوم قرار داد که از همان ابتدا پیدا بود که حسین بن علی (ع) سر ناسازگاری با طاغوت و با ظلم را دارد.وقتی معاویه علی رغم قرار دادی که با امام حسین (ع) بسته و بنا بود که به جای خودش کسی را به عنوان جانشین تعیین نکند اما فرزند نابکارش یزید را به عنوان جانشین تعیین کرد، این یکی از مایه های بر افروختن خشم آن حضرت بود. برای اینکه دید با این بدعت بزرگی که معاویه گذارده است و می خواهد خلافت را در خاندانش موروثی کند، ((و علی الاسلام السلام)).

اگر خلفای پیشین بناحق بر مسند خلافت تکیه زده بودند، اما این امید بود که بعد از آنکه آن خلیفه رفت لااقل مردم دخالت کنند و بتوانند از راههایی وارد شوند و کسی را که صالح است بیابند و یا به سراغ امام راستینشان و خلیفه واقعی پیامبر بروند و او را انتخاب کنند.اما وقتی بنا شد که خلافت در خانواده ای موروثی باشد و حکومت دست به دست در یک فامیل بگردد، دیگر بعد از آن تدبیر از دست مردم و از دست اسلام و قرآن و از دست همه خارج می شود و تمام قدرت اسلام و قدرت امت در یک فامیل و در یک خاندان متمرکز می گردد.این مقدمه مرحله جدید پرخاش و موضع گیری تند حسین بن علی (ع) در برابر خلافت خاندان بنی امیه بود.معاویه مرد و یزید بر حسب وصیت غیر قانونی و خلافت پیمان او به جای معاویه نشست. یزید به عمال و مامورانش در سراسر سرزمینهای اسلامی دستور داد که از مردم بیعت بگیرند و ضمنا به عاملش در مدینه دستور داد که از امام حسین (ع) هم بیعت بگیرد. از اینجا نطفه حادثه کربلا بسته شد. بیعت با یزید یعنی تسلیم و پیمان سازش و همکاری در برابر طاغوت. او بیعت را بر حسین بن علی (ع) عرضه کرد و حضرت هم امتناع فرمود. عرصه بر حسین (ع) تنگ شد و مقدمات قیام و انقلاب را علیه خاندان بنی امیه فراهم کرد.حسین بن علی (ع) مدینه را ترک کرد و به مکه آمد تا در مکه که محل عبور و مرور قبایل است و از همه

اقوام و ملتهای اسلامی از گوشه و کنار کشور پهناور اسلام بدانجا می آیند و ضمنا خانه امن الهی و حرم خداست بتواند با نمایندگان مردم برای بیدار ساختن و ارشاد و برانگیختن آنها و زنده کردن احساسات آنها علیه دستگاه بنی امیه تماس فراوان بگیرد و از همانجا هم نامه نوشتن و نماینده فرستادن را به سوی کوفه آغاز کرد.کوفه مرکز قسمت عمده ای از کشور پهناور اسلام بود و ایران هم وابسته به کوفه بود و مردم هم با سابقه ای که از حکومت علی بن ابی طالب (ع) داشتند، آشناتر با برنامه های علی (ع) و خاندان او و نزدیکتر به اظهار وفاداری و همکاری با حسین بن علی (ع) بودند. بنابراین، اقدامات خود را برای ارشاد مردم کوفه و فراهم ساختن مقدمات و بسیج یک نیروی مخفی در سراسر این شهر علیه دستگاه ظلم و طغیان بنی امیه شروع کرد. لذا از یک طرف مشغول ارشاد مردم شد، یعنی مرتب حسین بن علی (ع) برای قبایل و افراد و نمایندگان مردم که از گوشه و کنار مملکت می آیند سخنرانی می کند، بحث می کند، پیام می فرستد، نامه می نویسد و از طرف دیگر هم مرکزی را که مساعدترین مکان برای آماده ساختن مردم علیه دستگاه بنی امیه است، برای اجتماع مردم و همبستگی آنها و فراهم کردم مقدمات انقلاب، آماده می کند.بعد آن نامه معروف را خطاب به علما نوشت و سخنی را که درباره علمایی که در آن روز با دستگاه طاغوت ساخته بودند بیان فرمود؛ علمایی که با زندگی دنیایی و با همان عیش و عشرت، تفاخر

و منافع و مطامع خودشان ساخته بودند. آنچنان نامه حضرت این علمای سوء را که دربار خلافت ساخته بودند و تند و آتشین منقلب ساخت که همان نامه برای ما و برای روحانیت ما و برای حرکت علمای بیدار و انقلابی ما یک انگیزه و برنامه یک حرکت بود. اگر یادتان نرفته باشد و در گرما گرم نبرد ملت ما با طاغوت و فرمانی که امام پشت سرهم برای بیداری علمای حوزه های علمیه و همه علمای کشور صادر می کرد، گاهی هم به همین نامه حسین بن علی (ع) استشهاد می شد و همین نامه را بعضی از افراد انقلابی مومن به انقلاب ترجمه و پخش کردند که چگونه حسین بن علی (ع) می فرماید وظایف روحانیان و دانشمندان و علمای اسلام برای یاری اسلام سنگین است.بنابراین نامه می نویسد، بیانیه صادر می کند، سخنرانی می کند، تماسهای خصوصی می گیرد، نماینده و مإمور می فرستد، با نمایندگان مردم که از گوشه و کنار می آیند صحبت می کند و اعمال انقلابی تند زیر برده و علنی پرخاشگرانه علیه دستگاه سلطه گر بنی امیه یکی پس از دیگری از حسین بن علی (ع) صادر می شود و دقیقا درس انقلاب و حرکت تند اجتماعی علیه دستگاه ظلم حاکم و علیه دستگاه استبداد حاکم را برای همیشه به تاریخ می آموزد.چرا این روابط، این خطابه ها، این نامه ها، این پیامها، این تماسها، سالیان دراز بر منابر و در مجالس روضه خوانی برای ما تکرار نمی شد؟ و چرا ما با حسین بن علی طرفدار اسلام و انقلابی عدالت دوست آزادیخواه مبارز با ظلم که

انواع نقشه ها و راهها را برای بسیج مردم و ارشاد آنان و منفجر کردن جامعه علیه قدرت سلطه گر حاکم می پیمود، آشنا نمی شدیم؟ چرا که حضرت را آن گونه که باید به ما معرفی نمی کردند؟ با همه این مقدمات، حسین بن علی (ع) آماده حرکت به جانب کوفه شد.نزدیکانش آمدند و به او گفتند آقا! این سفر خطر دارد، دشمن قوی است، مردم کوفه هم معلوم نیست وفا کنند، کجا می روید؟ فرمود:ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر.می روم تا امر به معرو و نهی از منکر کنم.در آن پیامش در جملاتی بیان فرمود: مگر نشنیده اید که جدم پیامبر فرمود:من رأی سلطانا جأرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهدالله، مخالفا لسنه رسول الله صلی الله علیه و آله، یعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان، فلم یعیر علیه بفعل و لا قول، کان حقا علی الله ان یدخله مدخله. [۱] هر کس ببیند که سلطان ستمگری در بین مردم حدود خدا را پایمال کرده است، به مردم ظلم می کند، منکر را احیا و معروف را لگدمال کرده است، حاکم ضد دین و ضد عدالتی بر مردم مسلط است و ساکت بنشیند و در برابرش حرکت و قیام نکند، بر خداست که آن شخص ساکت و سازشکار را به همان درکی ببرد که آن سلطان ستمگر را می برد و همانجا جای دهد که آن سلطان خائن را جای می دهد.فرمود: من وظیفه دارم، باید بروم و بگویم و مبارزه کنم.وان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیما سیوف خذینی.اگر دین جدم پیامبر جز با قتل و شهادت من

مستقر نمی گردد، پس ای شمشیرها مرا در بر گیرید.مرا از مرگ می ترسانید؟ از شهادت می ترسانید؟ به قول امام و رهبرمان همین شهادتها و همین خون شهید است که از هر قطره اش یک مبارز مسلمان انقلابی می روید و زنده می شود و بر می خیزد.حسین بن علی (ع) آنکه در بین راه خبر شهادت مسلم بن عقیل و خبر شورش مردم کوفه و بی وفایی آنها و خبر بسیج عمومی دشمن را شنید ولی مع ذالک به قلب سپاه دشمن زد و پرخاش و تعرض و مبارزه و مجاهده خود را انجام داد و هر صحنه اش، از هر عزیزی که بر خاک افتاد، از جوابش، از کودک شیر خوارش و از هر عزیزی که از او بازماند این پرچم پر افتخار را در اهتزاز نگاه داشت و پیام شهادت را به بسیاری از مناطق اسلامی آن روز رسانید. زینبش، ام کلثومش و همه عزیزانش به صورت الگوها و سمبلها و نمونه های عظیم مجاهده و انقلاب و مبارزه و حق خواهی و عدالت طلبی درآمدند، برای همیشه تاریخ باقی ماندند و جاودانه اسلام و دین و قرآنمان شدند.

امام خمینی، احیا کننده نهضت امام حسین علیه السلام

امام خمینی عاشورا را زنده کرد و حسین بن علی (ع) را از آن زوایای تاریک تاریخ که گرد و غبار رفتار ناهنجارمان در طول قرون، چهره تابناکش را پشت ابرهای تیره مخفی ساخته بود، وارد صحنه کرد. به خاطر دارید هفده سال قبل بود که ناگهان عاشورا رنگ دیگری به خود گرفت. در عاشورای دو روز قبل از پانزده خرداد سال چهل دو، جملات نوحه گری و سینه زنی همه ساله،

در آن سال ناگهان به شعارهای تند علیه طاغوت زمان، علیه ظلم و ستمگری تبدیل شد و دیدیم همان هیئتهای متفرق که در گوشه و کنار محلات همه ساله بیرون می آمدند و به سرو سینه خودشان می زدند، اما دشمن بر آنها مسلط بود و هیچگاه مشتشان را در برابر دشمن پرخاشگرشان گره نمی کردند و همیشه به سر خودشان می زدند، در آن سال ناگهان این چهره های خشمگین، مردم حسینی مشتهایشان را در برابر کاخ مرمر به سوی دشمن ستمگر خود گره کردند و حرکت دادند و آن شعار معروف را سر دادند که: ((خمینی خمینی خدا نگهدار تو، بمیرد بمیرد این دشمن خونخوار تو)).همان نیروهایی که سالیان دارز بر باد می رفتند و این سرمایه های عظیم نابود می شد و کسی خبر نداشت که چگونه این نیروهای عظیم در بطن جامعه شیعه و در بطن جامعه اسلامی وجود دارد، ناگهان این نیروها بالا آمد و به صورت یک موج و یک اعتراض شد و به صورت یکپارچه گره شد و دشمن را لرزاند. لذا رهبر را در شب دوازدهم محرم که همان شب پانزده خرداد بود دستگیر کردند و روز بعد مردم تظاهرات عظیمی بر پا کردند و دشمن هم حمله شدید و کشتار فجیع و سهمگین و وحشیانه ای به راه انداخت.آن روز عده ای می گفتند این حرکتها برای چیست؟ این مشت به سندان کوبیدن است؛ ما با دست تهی در برابر چه کسی مقاومت کنیم؟ برویم باز هم برگردیم به گوشه مساجد و تکیه های خودمان و همانجا زمزمه کنیم و توسل داشته باشیم، همین و همین.چرا

بیرون آمدیم و چرا مبارزه و پرخاش کردیم؟ عده ای بنا کردند سمپاشی کردن. شاید درست مثل سمپاشی که بعد از شهادت حسین بن علی (ع) می کردند. عده ای از مردم هم که ظاهرا مسلمان بودند اما روح اسلامی در شریان آن ها جریان نداشت، آنها هم می گفتند چرا حسین بن علی (ع) رفت؟ و چرا فرزندان و یاران خود را را به کشتن داد؟ مگر توانست با هفتاد و دو نفر در برابر آن خیل عظیم دشمن ایستادگی کند؟ اما نمی دانستند از همان روزی که خون حسین بن علی (ع) بر سرزمین کربلا ریخت پایه حکومت طاغوت یزید و خاندان آن حضرت ایستاده بودند و می دیدند که زینب بالای سر برادرش آمده و با او زمزمه می کند، منقلب شدند و آن دگرگونی روحی و شرمندگی آغاز شد، آن رخنه در صفوف دشمن و طاغوت آغاز شد. بعد قدم به قدم، هر کلامی که زینب می گفت، ام کلثوم می گفت، امام سجاد در مسجد شام می فرمود، و نیز گریه ها و عزاداریها و خطبه های آنها حامل پیامی بود که این قطرات خون شهیدان را بر سر و روی مردم مرده و خواب آلوده عصرشان پاشید و خون شیهد در رگ و پوست این امت به جریان افتاد و چیزی نگذشت که موج این حرکت به تدریج دودمان بنی امیه را بر باد داد.مردم ما هم به دنبال شهدایی که داده بودند، مرتب این طرف و آن طرف تظاهرات بود، کشتار بود، دژخیمان حمله می کردند و عده ای نگران بودند که آیا محرم چه خواهد شد؟ و

آیا امام درباره محرم چه دستوری خواهند داد؟ چند روزی به محرم مانده بود که بیانیه امام صادر شد. امام در این بیانیه فرمود:محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر است. مو بر بدنها راست شد که:امام چه فکری برای این مردم کرده است؟ چگونه می خواهد مردم را جلوی گلوله بفرستد؟ می خواهد در ماه محرم سیل خون به راه بیندازد؟ به دنبال این بیان امام و بسیج او، چگونه جلسات ما پرشکوه، پر حرارت و پر تپش و چقدر جالب بر پا شد؛ در تاسوعا و عاشورا چه راه پیمایی عظیم و اجتماع با شکوهی بر پا شد؛ در میان حمله دشمن و در قلب توطئه دشمن در سراسر کشور، میلیونها نفر به راه افتادند: همه یکپارچه و همه با یک شعار و با یک پیام و همه در یک قیام. بخوبی ملموس و محسوس بود که چگونه عاشورا و تاسوعا سرنوشت ساز است. پشت دشمن را لرزاند، پشت ابرقدرتهای پشتوانه استبداد را هم لرزاند. بالاخره معلوم شد که حسین بن علی (ع) رهبر عظیم الشأن عدالت گستر و انقلابی اسلام چگونه الهام داد و چگونه جامعه را بسیج کرد. آری، نهضت ما بیش از هر چیز از حادثه کربلا- جان گرفت و از آنجا مایه گرفت و تغذیه و هدایت شد.اگر تاریخ دقیق انقلاب و نهضت را از سال ۴۲ و مخصوصا یکی دو سال اخیر بنویسند و مجموع شعارها و حرکتها و مراکزی که از آنجا حرکت شد و مردمی که حرکت کردند و کشته دادند، تمام اینها واقعه نگاری شود، بخوبی احساس خواهیم کرد که چگونه بیش از همه حادثه کربلا

سرمشق و راهگشا و الهام بخش ما به سوی پیروزی بود و به هر حال به یاری خدا و با اعتماد بر او، با همبستگی همه مردم مسلمان بر دشمن پیروز شدند.

پاورقی

[۱] نفس الهموم، ص ۱۱۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹